

بسم الله الرحمن الرحيم

بزرگترین جرم مردم مدینه

❖ مناسبت : فاطمیه

❖ موضوع : کارکردهای ولایت

❖ عنوان : بزرگترین جرم مردم مدینه!

❖ پیام : غیرسیاسی بودن مردم، فاطمیه آفرین است.

🔄 ماهیت بحث : سیاسی نبودن مردم، فاجعه فاطمیه را رقم زد. مردم فرقی بین نظام ولایی و غیر ولایی نمی گذاشتند و نهضت فاطمه زهرا س و فدا شدن ایشان برای بیدار کردن فهم سیاسی مردم بود.

• فاطمیه بهترین فرصت برای فهم ولایت است. فاطمه (س) با آن قدر و عظمت، فدا شد تا مردم ولایت را فهم کنند. و اصلا فاطمه س فدا شد به خاطر اینکه مردم فهم درستی از ولایت نداشتند. آن فهم درست از ولایت، این است که ولایت یعنی سیاست. تار و پود ولایت چیزی جز سیاست و قدرت و حاکمیت نیست. مراقب باشید آدرس غلط به شما ندهند. اگر ما از ولایت یاد سیاست نيفتيم یعنی فهم درستی از ولایت نداريم. پیوند ناگسستنی بین ولایت و سیاست برقرار است. حضرت امیر فرمود: ولایت معنای جز حکومت بر امت نمی دهد؛ «فَمَا الْوَلَايَةُ غَيْرَ الْإِمَارَةِ عَلَى الْأُمَّةِ» (سلیم، ج ۲، ص ۶۵۱)

• مشکل مردم مدینه چه بود؟ آیا نماز نمی خواندند؟ آیا روزه نمی گرفتند؟ پس چرا مردم مدینه به دعوت سیاسی حضرت زهرا س پاسخ مثبت نمی دادند. فاطمه (س) با آن عواطف می فرمود: «انصروا الله فإني ابنه نبيكم؛ خدا را یاری کنید؛ من دختر شما پیغمبر شما هستم» امام صادق (ع) فرمود: «هیچ کسی او را یاری نکرد، یک نفر هم قول همکاری و همیاری نداد؛ فَمَا أَعَانَهَا أَحَدٌ وَ لَا أَجَابَهَا وَ لَا نَصَرَهَا» (الاختصاص، ص ۱۸۴) مردم مدینه نه تارک الصلاه

بودند نه روزه خوار، یکی از مشکلات اصلی مردم مدینه این بود که فهم سیاسی از ولایت نداشتند. فرق زیادی بین نظام ولایی و نظام غیرولایی نمی گذاشتند. حالا چه فرقی می کند چه کسی بر سر مسند قدرت قرار بگیرد؟ فریادهای فاطمه زهرا س بر سر مردم این بود که فاصله بین نظام ولایی با نظام غیر ولایی را به مردم بفهماند. حضرت زهرا س عمق فاجعه نظام غیر ولایی را به مردم می خواست نشان دهد. می فرمود: در نظام غیر ولایی، شما را بشارت می دهم به شمشیرهای عربان و هرج و مرجی که فراگیر و دائمی است و ستمی که از ناحیه ظالمین به شما می رسد آنچنان که اموال عمومی حیف و میل می شود و اجتماع شما درو می شود. «أَبْشِرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَ هَرْجٍ دَائِمٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ فَيَنْكُمُ زَهِيدًا، وَ جَمْعَكُمْ حَصِيدًا» (دلائل الامامه، ص ۱۲۸) همه ضرر می کنید. از هستی ساقط می شوید. اقتصاد شما نابود می شود. خیلی فرق می کند سیاست و اداره زندگی مردم دست امیرالمومنین باشد یا دیگری؟ ولی متأسفانه مردم به ماجرای غضب حاکمیت، خیلی غیرسیاسی نگاه می کردند. و کلا مردم مدینه غیرسیاسی بودند. می گفتند حالا یا علی نوبت به شما هم می رسد. مشکل مردم مدینه نداشتن فهم سیاسی بود. و از دیدن آینده وحشتناک سیاسی خودشان نابینا بودند. بصیرت سیاسی نداشتند. هشدارهای سیاسی حضرت زهرا س را هم جدی نمی گرفتند.

- مردمی که غیرسیاسی باشند، خیلی ظرفیت دارند آلت دست اهداف کثیف سیاسیون خبیث قرار بگیرند. بعضی ها رو دیدید چه ژست غیرسیاسی می گیرند. از عوام تا برخی از علماء، می گویند: «ما که سیاسی نیستیم. باید به اونها گفت تو مثل آب خوردن می توانی هدف سیاسیون قرار بگیری و وقتی می گویی من که غیرسیاسی هستم، نمی دانی این خودش یک موضع گیری سیاسی است. ضمن اینکه من نمی فهمم کسی می گه من با سیاست کاری ندارم یعنی چه؟ یعنی شما با ولایت کار نداری؟ یعنی شما برات فرقی نمی کنه حکومت دست چه کسی باشد؟ پس تو با مردم بی خیال مدینه چه فرقی می کنی؟ مردم بی خیال سیاست بودند برای همین قربانی مقاصد شوم سیاسی دیگران قرار گرفتند.

- هنوز هم فهم درستی از ولایت، نشده است. از بس ما به شرح و بسط ولایت نپرداختیم. در جشنواره فجر فیلمی از نگاه تماشگران برنده سیمرغ شد که تیکه به ولایت می اندازد. دیالوگ اول فیلم که به شما از کل فیلم ذهنیت می ده این هست "میگن اگه چوپون نباشه گوسفندا تلف میشن، یا گم میشن، یا گرگ بهشون می-زنه یا از گرسنگی می-میرن. چون مغز ندارن. هرکی که مغز نداره به چوپون احتیاج داره. یه چوپون دلسوز..." این یعنی برداشت غلط از ولایت؛ آیا ولایت به فهم مردم بی احترامی می کند؟ علت اصلی مظلومیت ولایت احترام به فهم مردم است. آیا ما ساز و کار اعمال ولایت توسط ولی خدا را توضیح دادیم که مانع چنین سوء برداشتهایی از ولایت شویم؟ حضرت امیر فرمود: **اگر تقوا نبود من سیاست مدارترین فرد در عرب بودم؛ «لَوْ لَا التَّقَى لَكُنْتُ اُدْهَى الْعَرَبِ»** (کافی، ج ۸، ص ۲۴) یعنی من براساس تقوا مدیریت می کنم. در مدیریت به مدل تقوا به انسان ها خیلی احترام گذاشته می شود. کرامت انسانی، فهم انسانی رعایت می شود. خودت چقدر می فهمی؟ معاویه زور می گوید. امیرالمومنین سخن می گوید. روشنگری می کند. توضیح می دهد. فرمود شما فکر می کنید ما به شما زور می گویم نه **«أ نُلْزِمُكُمْ هَا وَ اَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ»** (هود، ۲۸)
- ولایت نه تنها زور نمی گوید و دیکتاتوری عمل نمی کند. بلکه آنقدر مراعات مردم را می کند تا آنجا که از مردم زور می شوند. امیرالمومنین فرمود: مردم از ظلم حاکمانشان می ترسند و من علی خود حاکم هستم، از ظلم مردم بر خودم می ترسم؛ **«لَعَدُوْا اَصْبَحْتَ الْاُمَمُ تَخَافُ ظُلْمَ رُعَاتِهَا وَ اَصْبَحْتَ اَخَافُ ظُلْمَ رَعِيَّتِي»** (نهج البلاغه، خطبه ۹۷) مگر یا علی شما چگونه مدیریت می کنی که مردم جرات پیدا می کنند به شما ظلم و تعدی کنند؟ شما چقدر مردم را رعایت می کنی که مردم احساس امنیت می کنند و شما و جایگاه شما را مراعات نمی کنند؟
- ما هنوز نتوانستیم ولایت را آنچنان که هست، به جهان معرفی کنیم. جذاب ترین بخش دین ماست. به خدا اگر بتوانیم به زیبایی ولایت را توضیح دهیم. همه عاشق مرام ما خواهند شد. از شرق تا غرب شیفته مکتب ما خواهند شد. ما هنوز نتوانستیم برای مردم توضیح دهیم دنیا بدون ولایت روی امنیت جانی مالی اقتصادی و شادی را نخواهد دید. ما افتادیم در دعوای کلامی

درباره ولایت و نتواستیم کارکردهای ولایت را توضیح دهیم. دعوای کلامی سر جایش خوب ولی کی نوبت به بیان کارکردهای ولایت می رسد؟ امام حسن مجتبی ع فرمود: به جانم سوگند اگر مردم هنگام رحلت رسول خدا حکومت را به ما اهل بیت می سپردند و از ما پیروی می کردند از بالا و پایین می خوردند بعد فرمود آنچه که مردم از دست دادند بیشتر از آن چیزی بود که ما از دست دادیم؛ **لَعَمْرِي لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ قُبُضِ رَسُولِ اللَّهِ صِ سَلَّمُوا لَنَا وَ اتَّبَعُونَا وَ قَلَدُونَا أُمُورَهُمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ لَمَّا طَمِعَتْ [فِيهَا] أَنْتِ يَا مُعَاوِيَةَ فَمَا فَاتَهُمْ مِنَّا أَكْثَرُ مِمَّا فَاتَنَا مِنْهُمْ**» (سلیم، ج ۲، ص ۷۷۲) اگر کار را به ولایت نسپرد زمین و آسمان با شما قهر خواهند کرد، فرمود: **«ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مَنِعَتِ السَّمَاءُ»** نظام غیر ولایی اصلا قدرت حل مشکلات را به صورت ریشه ای نخواهد داشت. چنین ساختاری نمی تواند عدالت را برقرار کند. پیامبر (ص) فرمود: فاطمه جان به کسی که جانم در دست اوست سوگند که مهدی این امت کسی است که زمین را لبریز از عدالت می کند بعد از آنکه زمین از ظلم و بیداد پر شده است و دیگر جایی برای ظلم و جور وجود ندارد. **«وَأَلَذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»** (سلیم، ج ۱، ص ۵۶۷) غیبت امام زمان، معنایش این است که شما بفهمید، نمی توانید بدون مدیریت از آسمان، بدون نظام ولایی تمام مشکلات خودتان را حل کنید. بلکه گرفتار و لبریز از ظلم و ستم خواهید شد. تا به این بلوغ سیاسی نرسید حضرت تشریف فرما نمی شوند. چقدر فهم ساده و سختی است که ولایت نباشد، منافع شما تامین شدنی نیست. از این جهت سخت است که شیطان می ترساند: **الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**» (آل عمران، ۱۷۵). نکند حکومت دست ولایت بافتد سخت گیری کند. حضرت زهرا فرمود: **«نترسید علی بر خودش سخت می گیرد بر شما سخت نمی گیرد»**.

● مهم ترین مساله حیات بشر، از آغاز تا فرجام، از دیروز تا امروز، محور حیات بشر، مساله ولایت است. مدیریت در دست چه کسی است؟ نباید به سادگی از کنار ولایت عبور کرد. نگذارید موضوع دیگری ذهن شما را درگیر خودش کند.

- عصبان مردم مدینه، نه شراب خواری بود نه هرزگی فردی، عصبان مردم مدینه، بدتر از اینها بود، عصبان سیاسی بود. مردم مدینه خودشان را بی نیاز از نظام ولایی و مدیریت ولایت می دانستند. همان حس استغنائی که به تعبیر قرآن انسان را به طغیان می کشاند. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» (علق، ۶ و ۷) ما می توانیم خودمان، بدون تکیه به خدا، با قهر از آسمان، مشکلات اقتصادی، معیشتی و... خودمان را حل کنیم. وقتی چنین حسی شکل گرفت. آغاز همه بدبختی ها و بردگی هاست، وقتی امیرالمومنین بین مردم جایگاه سیاسی و اجتماعی ندارد، طواغیت می توانند موج سواری کنند.

روضه

- چه موجی راه انداختند، چه کسی باور می کند در شهر پیامبر، کسی جرات پیدا کند، خانه یادگار پیامبر(ص) را به آتش بکشد؟ ای کاش به آتش زدن خانه بسنده می کردند. فریاد می زد آتش می زرم به او گفتند در این خانه فاطمه است چه کسی را می خواهی آتش بزنی؟ گفت فرقی نمی کند فاطمه هم باشد آتش می زرم. حضرت زهرا س در وصیت نامه خودشان فرمودند: هیزم خشک به درب خانه ما آوردند و آتش که خانه ما را آتش بزند، پشت در ایستاد و آنها را به خدا و پدرم رسول الله قسم دادم دست از ما بردارند و برگردند اینجا بود که خلیفه دوم شلاق را از قنقد گرفت و به بازوی من زد و جای آن ضربه روی بازوم مثل دست بند باقی ماند. با پا به درب آنقدر ضربه زد که در روی من افتاد و من پشت در با صورت به زمین خوردم و آتش رنگ صورتم را تغییر داد «فَجَمَعُوا الْحَطَبَ بِبَابِنَا وَ أَتَوْا بِالنَّارِ لِيُحْرِقُوا الْبَيْتَ فَأَخَذْتُ بَعْضَ دَرِيئِي الْبَابِ وَ قُلْتُ: نَاشِدْتُكُمْ اللَّهُ وَ بِأَبِي رَسُولِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنْ تَكْفُؤُوا عَنَّا وَ تَنْصَرِفُوا فَأَخَذَ عَمْرُ السَّوْطِ مِنْ قُنْفُذِ مَوْلَى أَبِي بَكْرٍ، فَضَرَبَ بِهِ عَضْدِي فَأَلْتَوِي السَّوْطَ عَلَى يَدِي حَتَّى صَارَ كَالدَّمْلَجِ، وَ رَكَلَ الْبَابَ بِرِجْلِهِ فَرَدَّهُ عَلَيَّ وَ أَنَا حَامِلٌ فَسَقَطَتْ لِي وَجْهِي وَ النَّارُ تَسَعَّرُ» (هدایه الکبری، ص ۱۷۹) اگر اینجا درب خانه آل الله را آتش نمی زدند. کسی جرات پیدا نمی کرد کربلا خیمه های اباعبدالله را آتش بزند. آنچنان

که امام سجاد ع بفرماید عمه جان به این دخترها بگو کسی در خیام باقی نماند. علیکن بالفرار. همه فرار کردند فقط حضرت زینب س مثل مادرش میان خیمه های سوخت ایستاد و از امامش دفاع کرد. الا لعنه الله علی القوم الظالمین